

مورخ ۱۴ آوریل ۱۹۱۲ در جمعیت اتحاد
انجمن افکار جدید [یا مترقی] در تالار
کارنگی هال در نیویورک: درباره لزوم
تمسک به محبت و اتحاد

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



ORIGINAL



AUDIO

مورخ ۱۴ آوریل ۱۹۱۲ در جمعیت اتحاد انجمن افکار جدید^۱ [یا مترقی] درتالار کارنگی هال^۲ در

نیویورک:

درباره لزوم تمسک به محبت و اتحاد^۳

(خطابات جلد دوم، ص. ۲۱-۲۴)

من از ممالک بعیده آمدم تا این مجامع را بینم. از مشاهده این مجامع بسیار مسرورم به جهت این که در هر جمعی جمعی می بینم که با هم در نهایت محبت و الفتند. از جمله این جمع محترم است که الحمد لله نفوس در نهایت مهربانی و وداد در فکر ترقیند. همچنانکه این جمع در کمال الفت و وفاند، امیدوارم جمیع عالم با هم الفت یابند. افکار اتحاد و اتفاق دلیل بر فیض الهی است، زیرا انوار وحدت فیاض در جمیع اشیاء ظاهر است و بر کلّ می تابد و فیوضات محیط بر کلّ است. عالم خلق بمثابه ارض است و فیوضات رحمت الهیه مانند شمس بر کلّ تجلّی نموده. نهایت این است که مجالی و مرایا مختلف است، استعدادات متفاوت است، اما نور فیض، نور واحد است و تجلّی، تجلّی واحد. جمیع کائنات مستفیض از شمس واحد است، کائناتی از کائنات نیست که مستفیض نباشد. شمس یکی است اما استعداد

^۱ New Thought Forum

^۲ Carnegie Hall

^۳ خطابه در کارنگی هال انجمن افکار جدید نیویورک ۱۴ آوریل ۱۹۱۲ (عصر) ۲۶ یا ۲۷ ربیع الثانی

۱۳۳۰ ه.ق

کائنات مختلف است. کائنی مثل سنگ سیاه است، پرتوی نگیرد. کائنی مثل آئینه است و آفتاب در نهایت ظهور در او جلوه کند. البته باید قلوب را صیقل داد تا استعداد جلوه حاصل نماید.

باید بکوشیم که استعداد حاصل شود تا فیوضات الهی در نهایت جلوه ظهور نماید. و این استعداد وقتی حاصل شود که قلوب در نهایت صفا و نفوس در کمال اتحاد و یگانگی مشاهده شود. آن وقت تجلی شمس حقیقت نهایت جلوه و تأثیر نماید و آثار و انوار شمس در کل دیده شود. لهذا نباید نفسی را محروم دید، نفسی را نباید حقیر شمرد. نهایت این است که باید تربیت شوند و صفائی یابند تا نور الهی در نهایت قوت ظاهر شود و وحدت عالم انسانی ظهور نماید. پس هر چه محبت بیشتر، شمس حقیقت جلوه اش زیاد تر، زیرا اعظم فیض الهی محبت است. این است که تا محبت حاصل نشود، هیچ فیض حصول نیابد. جمیع انبیای الهی کوشیدند که بین نوع انسان محبت ظاهر شود. حضرت مسیح جمیع بلایا تحمل فرمود و حضرت بهاء الله کند و زنجیر و پنجاه سال نفی و زندان قبول فرمود تا قلوب معدن محبت الله گردد. پس ما باید بجان و دل بکوشیم تا محبت در بین کل ظاهر شود، جمیع قلوب شرق و غرب مرتبط گردد، جمیع نفوس محب یکدیگر شوند، زیرا جمیع از رحمت پروردگار بهره ورنده. شمس حقیقت یکی است و آن مرکز انوار است هر چه توجه بیشتر شود فیوضات الهیه زیاد تر گردد.

شصت سال پیش در زمانی که در شرق اختلاف بسیار بود و ملل و احزاب ابداً باهم التیام نداشتند، مذاهب مختلفه دشمن یکدیگر بودند و همیشه با یکدیگر در جنگ و جدال بودند حضرت بهاء الله ظاهر شد، در میان جمیع مذاهب الفت انداخت و کل فرق و احزاب را ارتباط بخشید. نزاع و جدال زائل شد و الفت و محبت حاصل گردید، عالم ظللهانی نورانی شد. بهار جدیدی ظاهر گشت، مزارع قلوب سرسبز و خرم گردید، گلهای رنگارنگ جلوه بخش انظار گشت، اشجار پرشکوفه شد و اثمار طیبه به بار آورد.

حال من امیدوارم که به حسن اخلاق و رفتار و حسن نیت شما بلکه در میان شرق و غرب الفت و اتحادی حاصل شود و اتحاد تامه به میان آید، فیوضات الهی احاطه کند. زیرا عالم آفرینش به منزله یک شجر است و هر نفسی به مثابه برگ و شکوفه ای الطاف الهی بی پایان است، فیوضات نامتناهی کل را احاطه نموده. ما باید ملاحظه آن فیوضات کنیم، چنانچه فیوضات او شامل حال جمیع است، ما نیز باید به یکدیگر نهایت تعلق داشته باشیم تا هر جزئی عبارت از کل باشد. ملاحظه نمائید که از یک دانه شجری ظاهر می شود و از هر شجری ثمری هر چند دانه جزء شجر است اما عبارت از تمام شجر است. امیدوارم ما ها نیز هر یک عبارت از کل شویم و متحد با جمیع گردیم. این است وحدت عالم انسانی، این است رحمت یزدانی، این است موهبت الهی، این است سعادت ابدی.

